

تحلیل تبارشناختی معماری مسکونی در شهرهای نفتی خوزستان (مسجدسلیمان، آبادان و اهواز)

مهدی پیرحیاتی*، بهزاد وثیق**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۵/۳

چکیده

در طی تغییرات معماری ایرانی، دوران قاجار و اوایل پهلوی به علت روند سریع تغییر در کالبد و نقشه جایگاه ویژه ای دارند. این تغییرات به واسطه تبادل فرهنگی بین ایران و اروپا عمدتاً در شهرهای پرجمعیتی مانند تهران و تبریز مشاهده می شود. اما نحوه ورود معماری غربی در جنوب غرب ایران، به واسطه کشف نفت در خوزستان، از گونه ای دیگر است. ساختمان سازی شرکت های نفتی در این مناطق مهمترین عامل تغییرات ساختار معماری این جغرافیا است. با ورود شرکت های نفتی، نیاز به ساخت خانه هایی برای شاغلین در این صنعت در محدوده های اکتشاف و بهره برداری ضرورت یافت. خانه ها و محلاتی که با دانش و سنت های بومی خانه سازی منطقه همخوانی نداشت و پس از ساخت این محلات، رویکردی متفاوت در نظم شهری و سازمان دهی فضای خانه، رواج یافت. لذا این پرسش مطرح می شود که از منظر تبارشناسانه ویژگی های سازماندهی فضایی در معماری مسکونی و نظام شهری شرکت های نفتی در خوزستان چیست؟ هدف از این تحقیق، شناخت شهرک های نفتی خوزستان از منظر معماری و شهرسازی است. روش تحقیق بر اساس موردکاوی خانه ها و بررسی شکل شهرسازی بخش های اسکان کارمندان و کارگران در سه شهر نفتی (مسجدسلیمان، آبادان و اهواز) بوده و در ماهیت توصیفی-تحلیلی با حرکت از مشاهده به سمت نظریه توسط استدلال استقرایی است. در این نوشتار تلاش شد با استفاده از رویکرد تطبیقی، ضمن معرفی ریخت شهر و فضایی معماری، به بررسی گونه های ساخت شهرک و مسکن پرداخته شود. نتایج نشان می دهد که روند تحولات معماری مسکونی شهرک های نفتی علی رغم کالبد متفاوت از معماری سنتی و بومی، در ابتکارات اقلیمی برگرفته از معماری خوزستان است. همچنین شکل شهرک و مسکن حاکی از تفاوت چشمگیر فضا و کالبد بر مبنای طبقه اجتماعی افراد است. باین حال عمده بافتار شهری در شهرک های نفتی بر اساس شهرسازی مدرنیستی است به گونه ای که به طور کلی، ساختار مرکزگرا و شطرنجی سازمان اصلی این شهرک ها هستند و گاه بر آن به واسطه ایجاد سواره تأکید شده است.

واژگان کلیدی

خوزستان، شرکت های نفتی، شهرک های نفتی، معماری مسکونی.

* boomavard@gmail.com

** vasiq@jsu.ac.ir

* گروه مرمت ابنیه تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، ایران (نویسنده مسئول)

** گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، ایران

مقدمه

یکی از نمودهای فرهنگی جوامع در معماری و هنر آن نهفته است. به عبارتی، معماری می‌تواند بروز آرمان‌ها و هنجارهای فرهنگی و زیبایی‌شناسی هر جغرافیا باشد (Salman, 2018). به واسطه کشف نفت و حضور انگلیسی‌ها از سال ۱۲۸۷ش در خوزستان، این مناطق با دستاوردهای به‌روز در حوزه فنی و ساختمانی مواجه شده و در مسیر نوگرایی قرار گرفتند (رستم‌پور، ۱۳۹۳: ۱۱). اکتشاف نفت و ورود مستشاران، کارشناسان و مدیران هندی و انگلیسی، تحولات سیاسی اجتماعی اواخر قاجار، انقلاب فناوریانه قرن بیستم، بروز دو جنگ جهانی، تحولات سریعی در نظام فرهنگی و اجتماعی ایران به وجود آورد (Sitzes, 2018). با گسترش فعالیت‌های شرکت بی‌پی و ایجاد شهرک‌های مدرن، جوامع چند فرهنگی کوچکی در جنوب غرب ایران ایجاد شد که بیشتر از دولت مرکزی یا محلی، تحت حکمرانی شرکت مذکور بود. وضعیت این شهرها به لحاظ تحولات اجتماعی- فرهنگی بی‌شابهت به شهرهای استعماری نبود (دهقان و انصاری، ۱۴۰۰). در حوزه مسکن و شهرسازی به واسطه تغییرات اجتماعی و اقتصادی جامعه حاکم و تداخل فرهنگ و نوآوری‌های غربی، ساختار طبقاتی شکل گرفت (Ozaki, 2002: 107). معماری نیز به سرعت دستخوش این تحولات شده و کالبد، نظام زیبایی‌شناسی و سازمان‌دهی فضایی معماری سنتی و بومی، پیرو راهکارهای نوین شد (Rapaport, 1969: 51). نوگرایی در معماری با ایجاد بناهای دولتی و تقسیمات شهری و بین‌شهری آغاز و به خانه‌سازی نیز نفوذ نمود (Fabbri & Al-Qassemi, 2022: 288). در طی این تحولات، درون‌گرایی به‌عنوان ویژگی معماری تاریخی ایران جای خود را به برون‌گرایی داد. در دوره پهلوی دوم تحولات ایجادشده در دوره قبل تثبیت‌شده و دامنه آن به تمام نقاط کشور رسید (Voskahi et al, 2021: 3203). سرعت نوگرایی در شهرهای جنوبی خوزستان، به دلیل وجود شرکت‌های بزرگ نفتی غربی و به‌خصوص انگلیسی بسیار بیشتر از نقاط شمالی استان بوده است (مبینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵). در این تحقیق، اهواز به دلیل مرکزیت سیاسی-جمعیتی، آبادان به‌عنوان اولین شهر نفتی عمده و مسجدسلیمان به‌عنوان اولین منطقه اکتشاف نفت در خوزستان، به‌عنوان نمونه‌های مطالعاتی انتخاب شدند. ضرورت این تحقیق در آن است که تا به‌طور دقیق اثرات این دوره از معماری بر معماری تاریخی و بومی منطقه شناخته نشود، نمی‌توان تحقیقی تبارشناسانه از معماری معاصر خوزستان و ایران به دست داد. این مطلب آنجا برجسته می‌شود که دانسته شود بسیاری از معماران نوگرای ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی به‌نوعی متأثر از این تجربه‌های معماری شرکت‌های انگلیسی بودند و یا خود در این شرکت‌ها فعالیت داشته‌اند. نتایج این تحقیق در کنار مطالعه سایر شهرهای نفت خیز دیگر خوزستان می‌تواند دریچه‌ای به شناخت معماری معاصر ایران باشد. از این‌رو در پژوهش مذکور، این پرسش مطرح می‌شود که از منظر تبارشناسانه ویژگی‌های سازماندهی فضایی در معماری مسکونی و نظام شهری شرکت‌های نفتی در خوزستان چیست؟ آنچه در تحقیقات پیشین مورد توجه قرار نگرفته است؛ بررسی همزمان معماری و شهرسازی شهرک‌ها به‌عنوان یک بسته منسجم طراحی است که با بیان هر دو می‌توان دیدی عمیق‌تر به نظام فکری و شیوه طراحی این ابنیه داشت.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

درباره معماری معاصر و تغییر و تحولات مربوط به این دوره از معماری در ایران در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی انجام‌شده است. اما معماری معاصر در شهرهای خوزستان مغفول واقع‌شده و چندان مورد کنکاش قرار نگرفته است. مجتهد زاده و نام‌آور (۱۳۸۸)، در تحقیقی به بررسی هویت فرهنگی-اجتماعی معماری شهر اهواز از اواخر قاجار تا شروع جنگ تحمیلی می‌پردازد و بر اساس روش توصیفی به این نتیجه دست‌یافته شد که هنگ زیست در اهواز نمایه‌ای از رابطه متقابل و نمادین شهر و فرهنگ بر یکدیگر است. هاین و صدیقی (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی نقش نفت بر شکل‌گیری تهران و خوزستان پرداخته‌اند. ایشان در این تحقیق به چشم‌انداز نفتی ایران در نسبت با وضعیت جهانی و اثر آن بر رشد این دو منطقه متمرکز شده‌اند. دملوجی (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی فضاهای سینمایی آبادان در داستان فارسی شرکت نفت انگلیس و ایران می‌پردازد. محقق تلاش می‌کند تا به استفاده ابزاری شرکت نفت انگلیس و ایران در زیبایی‌شناسی غربی شهرسازی در شهرهای نفتی ایران بپردازد که در طی آن تلاش می‌شد تا ناگواری‌های زیست کارگران در مشاهده نیاید. زقایی (۲۰۱۶)، در تحقیقی به شهرسازی آبادان طی سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۴۶ می‌پردازد. هدف وی از این تحقیق، بررسی تغییرات اجتماعی و نظام اقوام و طوایف خوزستان بر شکل توسعه شهری در این مناطق است. مارک کریسنون (۱۳۸۵) در تحقیقی به اثر مدیریت شرکت نفت ایران و انگلیس بر شهرسازی و معماری آبادان پرداخته است. پوراحمد و دیگران (۱۳۹۵) در تحقیقی به تحلیل فضای کالبدی شهر اهواز پرداخته‌اند و در این تحقیق تلاش شده تا به بررسی تکاپوی کالبدی و نیاز ساکنین پرداخته شود. تحقیق ایشان نشان می‌دهد تنوع بهترین عنصر از توانمندسازی کالبد شهر اهواز بوده است. عینی فر و دیگران (۱۳۹۹) به بررسی سیر تحول قلمروی ثانویه در معماری خوزستان با تأکید بر شهر دزفول پرداخته‌اند. تلاش ایشان بر سنجش مفهوم مرز در شکل‌گیری معماری مسکونی دزفول بوده است. همان‌طور که مشاهده گردید تاکنون

پژوهشی تخصصی بر محوریت معماری خانه‌های مسکونی پسااستعماری خوزستان نگاشته نشده و پژوهش مذکور به لحاظ تحلیل و بررسی شهرهای مورد مطالعه که اهمیتشان ذکر گردید دارای نوآوری موضوعی است. در جدول شماره ۱ هم به بخشی از پیشینه پژوهش مورد واکاوی نگارندگان اشاره شده است.

جدول ۱ - پیشینه پژوهش (۱۴۰۴)

عنوان پژوهش	نویسندگان (سال)	محتوای پژوهش
آبادان: شهرسازی و معماری تحت مدیریت شرکت نفت ایران و انگلیس	فردانش (۱۳۸۵)	شناخت شهرسازی و مؤلفه‌های معماری
تحول هویت اجتماعی، پیامد معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان	رستم‌پور و همکاران (۱۳۹۳)	ارائه الگویی از هویت در قالب هویت اجتماعی
تحلیل و تبیین تأثیرات صنعت نفت بر ساختار فضایی (نمونه موردی: آبادان)	بشارتی‌فر و همکاران (۱۳۹۵)	تأثیرات صنعت نفت بر شهرسازی آبادان
نقش نفت در ساختار اجتماعی خوزستان	حیدری‌کیا و همکاران (۱۳۹۹)	بررسی نقش نفت در ساختار اجتماعی خوزستان
تحلیل ساختار کالبدی - فضایی خانه‌های طبقات اجتماعی شرکت شهر نفتی آبادان در دوران رونق صنعت نفت	یونسی و همکاران (۱۳۹۹)	انطباق ساختار اجتماعی با کالبد معماری
تأثیر تفاوت‌های کالبدی خانه سنتی و خانه شرکتی آبادان بر سبک زندگی ساکنان	معتمدی و همکاران (۱۴۰۰)	مشخص نمودن نسبت میان سبک زندگی و شکل سکونت
تبیین مفاهیم سازنده مسکن مطلوب در شرکت شهرهای نفتی	معمار دزفولی (۱۴۰۰)	شناخت مؤلفه‌های درونی و بیرونی مسکن مطلوب
تحلیل نقش شرکت نفتی بی‌بی در دگرگونی معماری و سبک زندگی در ایران	دهقان و انصاری (۱۴۰۰)	دگرگونی معماری و سبک زندگی در ایران
تبیین سازمان فضایی نظام سکونتگاهی با تأکید بر نقش صنعت نفت	زیاری و همکاران (۱۴۰۱)	تبیین سازمان فضایی نظام سکونتگاهی خوزستان
بررسی تأثیر صنعت نفت در طراحی معماری و منازل شرکت نفتی مسجدسلیمان	حبیبی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱)	تأثیر صنعت نفت در طراحی
بازتاب تحولات سبک زندگی در معماری خانه‌های طبقات شغلی شرکت شهرهای نفتی ایران	یونسی و همکاران (۱۴۰۲)	تحولات سبک زندگی در شرکت شهرها

روش تحقیق

در این پژوهش با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای، از برداشت میدانی به بناهای قابل دسترسی بهره‌گیری شده است. این پژوهش کاربردی و روش آن بر اساس مورد کاوی و توصیفی - تحلیلی با حرکت از مشاهده به سمت نظریه توسط استدلال استقرایی است. تلاش شد، ضمن معرفی ریخت شهر و مشخص کردن فضاها، به بررسی تطبیقی گونه‌های ساخت شهر و مسکن پرداخته شود. محدوده موردبررسی در این تحقیق شامل محلات کمپ کرسنت، باغ ملی، نفتون، کَلِگِه و بخش کُوشک از توابع مسجدسلیمان به علاوه مناطق شرکت نفتی اهواز و آبادان است.

بحث

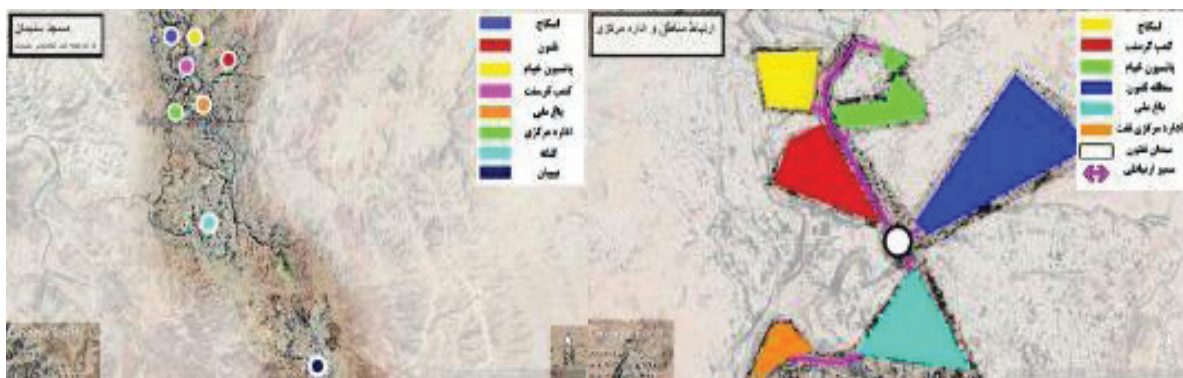
اکتشاف نفت باعث تجمع انبوهی از کارکنان و کارگران و ... شد و علت ساخت و تداوم شهرک‌ها در وابستگی کامل به این صنعت است. با رشد استخراج نفت، این شهرک‌ها به شهرهای میان‌قامت نفتی تبدیل شدند. ساخت‌وسازهایی از این دست کاملاً در مدیریت شرکت‌های نفت بوده و لذا در مناطقی مانند خوزستان؛ با عدم معاصر سازی معماری بومی و نیز به‌روزشدن روش‌های ساخت بنا، برنامه‌ریزان و معماران غیرایرانی و با ترکیبی از معماران انگلیسی و هندی انتخاب شدند (Amirjani, 2020). در نسل اول، ساختمان‌ها جایگزین چادرهای صحرائی شدند. در این دوره، خانه دارای سبک معماری مخصوصی نبوده؛ از استحکام کافی برخوردار نیست و تجهیزات رفاهی در آن وجود نداشت. در

بعضی ادارات و منازل جهت تهویه هوا بادبزن‌های بزرگی از برزنت، حصیر یا ترکیبی از هردو در فاصله معینی به سقف ساختمان آویزان می‌شد. در همین دوره به‌مرور با الهام از شوادون به احداث زیرزمین پرداخته؛ که آثار آن را می‌توان در چند ساختمان باقیمانده مسجدسلیمان مشاهده نمود. در دور دوم، شرکت‌ها به‌منظور رفع نیازهای سکونتی کارمندان صنعت نفت، بانی ساخت‌وسازها و شکل‌دهی کالبد جدیدی به زندگی مردم در خوزستان شدند که با آنچه تا آن زمان نه‌تنها در این منطقه بلکه در جامعه سنتی اتفاق می‌افتاد؛ متفاوت بود و منجر به رشد مسجدسلیمان، شد (Dobe, 2008). در این دوره ساختمان‌های جدا از هم، حداکثر دوطبقه و دارای ایوان با نام بنگله یا پنگلو ساخته شدند. پایان جنگ جهانی اول، افزایش کارکنان و اصلاح قرارداد داری، بر شکل‌گیری این دوره موثر است. در قرارداد جدید تعهداتی بر عهده شرکت نفت جهت اسکان و رفاه حال کارگران ایرانی نهاده شد (رستم‌پور و دیگران، ۱۳۹۳).

پس از سال ۱۳۳۰ هرچند صنعت نفت ملی شد و مدیریت کلان آن را ایران برعهده داشت؛ اما در حوزه معماری و شهرسازی به‌واسطه استفاده از طراحان غیرایرانی، کماکان الگوی قبل استفاده شد. اما با ایرانی شدن طراحان، موج دوم خانه‌سازی شرکت‌های نفتی ایجاد شد (یونسی و دیگران، ۱۴۰۱). در این دوره در عین نوشدن مصالح، تهرنگ معماری تاریخی در طراحی دیده می‌شود. سنگ نماهای صیقل‌خورده، درهای چوبی با کنده‌کاری و در بعضی از قسمت‌های ساختمان آثاری از گچ‌بری در سقف و دیوارها دیده می‌شد. از دیگر خصوصیات مهم این دوره، ایجاد ایوان است. در دوره سوم، به دنبال گسترش عملیات استخراج نفت، انبوه‌سازی منازل کارگری و کارمندی آغاز شد. به علت نیاز به ساخت سریع، مجدداً معماری غربی رواج یافت. بام منازل کارگری و کارمندی از شکل طاق خارج و سقف کاذب و شیروانی فلزی جایگزین آن شد. خیابان‌بندی در طراحی شهری نیز با سبک اروپایی انجام شده است (آریانفر، ۱۳۹۶). در ادامه با معرفی میراث معماری این دوره به بررسی سازمان‌دهی فضایی و کالبدی این دست بناها در شهرهای مسجدسلیمان، اهواز و آبادان توجه شود.

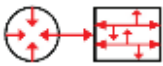
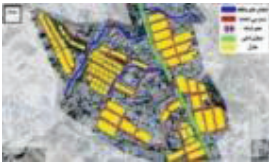
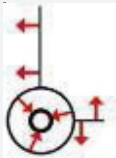
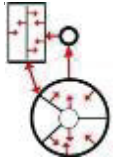
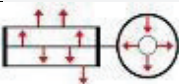
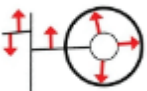
بافت شهری شهرهای مورد مطالعه

مسجدسلیمان قبل از ورود نفت، بافتی عشایرنشین داشته است. با کشف نفت و ساخت کارگاه‌ها، هسته اولیه این شهر با ۲۵۰ نفر جمعیت شکل یافت (قاسمی، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۷). بنای شهر در ۱۲۸۵ ه.ش، با ساخت عمارتی توسط متصدیان حفر چاه شماره یک آغاز شد. اکتشافات بعدی، نیاز به ساخت راه و خانه برای کارکنان اروپایی، هندی و ایرانی را موجب شد (سعدیان، ۱۳۸۷: ۸۰۰). مهاجرت حاصل از توسعه نفتی، موجب تغییر بافت جمعیت و تحول روابط اجتماعی و معیشتی مردمی شد که پیش‌ازاین کوچ‌نشین بودند (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۸). به عبارتی دیدگاه‌های سکونت‌ی سازندگان و تعامل فرهنگی بین ساکنین جدید بر مفهوم خانه مؤثر بود. نمونه شهرک‌های مسجدسلیمان شامل محله‌های کلگه، کمپ کرسنت، باغ ملی و نفتون و همچنین در بخش کوشک هستند که در تصویر زیر مشخص شده‌اند. هندسه شهرک‌ها می‌توانسته به‌صورت طرح از پیش تعیین‌شده یا طبیعی شکل بگیرند. معمولاً شهرک‌هایی که بر اساس ناهمواری زمین ساخته می‌شوند دارای هندسه خاصی نیستند، مانند محله کمپ کرسنت که به حالت ارگانیک بنا شده است. در ادامه می‌توان سازمان‌دهی فضایی و دسترسی محله‌های یادشده را مشاهده نمود. عمده‌تاً مناطق با سازمان‌دهی شعاعی در شهر چیدمان شده‌اند. باین‌حال هر محله دارای طراحی ویژه از نظر سازمان‌دهی خانه‌ها نسبت به خیابان، نسبت فضای سبز، شکل هر خانه مسکونی و قرارگیری آن در بافت اطراف آن است.



تصویر ۱- راست: ارتباط مناطق و اداره مرکزی و چپ موقعیت مناطق سازمانی مسجدسلیمان نسبت به هم (۱۴۰۳)

جدول ۲- ساختار و سازمان مناطق سازمانی مسجدسلیمان (۱۴۰۳)

محله	نقشه	ارتباط توده و فضا	ساختار	سازمان‌دهی
کمپ کرسنت				ارگانیک دو هسته‌ای
اسکاج				مدور
بیجان				خطی - گسترده
پانسیون خیام				خطی
باغ ملی				مثالی
نفتون				خطی_مربع
کلگه				مدور

در کنار مسجد سلیمان، آبادان به عنوان یکی دیگر از مراکز نفتی مطرح می شود. آبادان از آغاز رشد شهرنشینی به واسطه توسعه منابع مالی حاصل از نفت و مهاجرت کارگران شبه‌قاره و غربی، ویژگی‌های متفاوتی از جنبه کالبد شهری و مسکونی به خود دیده است. به عبارتی، این شهر از مینا دارای ساختاری مدرن بوده است. عمده محلات با مرکزیت پالایشگاه آبادان شکل گرفته و عوارضی مانند رود بهمنشیر و اروند بر شکل هسته آن مؤثر نیستند (Hakiminejad: 2021). ساختار محلاتی مانند بریم و بواره، نشانه تسلط بافت شطرنجی است؛ با این حال نیروی خطوط دایره در منطقه بریم قابل اعتنا است و می‌تواند در ادامه تفکر طراحی مسجدسلیمان باشد. یکی از تمهیدات اقلیمی ایجاد کوچه‌باغ است (اسپرغم، ۱۳۹۹).



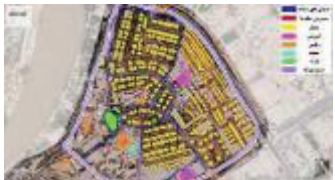
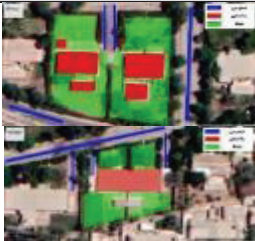
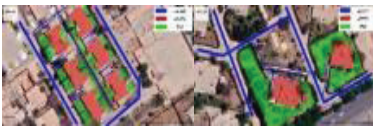
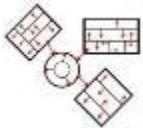
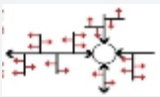
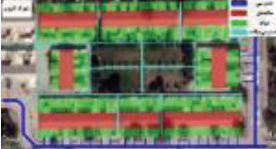
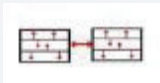
تصویر ۲- ارتباط مناطق سازمانی آبادان با پالایشگاه (۱۴۰۳)

جدول ۳- ساختار و سازمان مناطق سازمانی آبادان (۱۴۰۳)

محله	نقشه	ارتباط توده و فضا	ساختار	سازمان‌دهی
بریم				شطرنجی- مقارن
بوارده شمالی				مستطیل مرکزی
بوارده جنوبی				هندسه مربع- مقارن

همانگونه که آمد، اهواز نقش اداری و پشتیبانی شهرهای نفتی جنوب را برعهده داشته است. طرح شهری اهواز، تحت تأثیر خطوطی است که از جایگاه تجاری و سوق‌الجیشی آن نشأت می‌گیرد. در منازل نیوساید می‌توان گره‌برداری از منطقه کوشک را مشاهده کرد که با معماری بومی منطقه که عمدتاً خانه‌ها در بافت به‌صورت متراکم و متصل ساخته می‌شوند، متفاوت است. بافت کالبدی محله نیز دارای بخش‌های منفصل است تا به‌گونه‌ای جریان باد در محوطه بدون مانع جریان یابد که حاصل تجربه بریتانیایی در ساخت خانه در هند دانست.

جدول ۴- ساختار و سازمان مناطق سازمانی اهواز (۱۴۰۳)

محله	نقشه	ارتباط توده و فضا	ساختار	سازمان‌دهی
نیوساید		 ارتباط بنا به صورت کوشک  ارتباط حیاط و بنا به صورت دوطرفه		هندسه ارگانیک
شهرک نفت				هندسه مستطیل - شطرنجی
شهرک کارون				هندسه خطی
شهرک کارون				هندسه خطی

معماری مسکونی شهرهای مورد مطالعه

ابنیه اولیه شرکت نفت در مسجد سلیمان دارای جرزهایی از سنگ و لاشه و ملات گل یا مخلوطی از خاک و گچ بودند. در مواردی که دهنه دیوارها کوچک بود، از سقف طاق ضربی استفاده و در غیر این صورت با قراردادن لوله‌های فولادی قطور روی دیوار و چیدن ورق موجدار فلزی، سقف ساخته می‌شد. هدف از ساخت این ابنیه ایجاد سرپناه برای مسئولین وقت مناطق نفت خیز بود. ساخت این گونه بناها مختص

مسجد سلیمان نبود و تدریجاً به سایر مناطق از جمله اهواز که در آن زمان به علت موقعیت استراتژیک خود، مرکز تدارکات مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت‌خیز شده بود؛ سرایت کرد. شرکت نفت جهت اسکان کارگران سه نوع خانه سازمانی ساخته است که به ترتیب اهمیت عبارت از: ۱- درجه اول (سه اتاقی) ۲- درجه دوم، (دو اتاقی) ۳- درجه سوم (منازل ده فوتی و بیست فوتی شامل یک یا دو اتاق و هر اتاق به مساحت ۱۰ مترمربع) بودند.

نوع اول و دوم معروف به «سی‌برنج» به کارگران با سابقه، استادکاران و ارشدها تعلق داشت. این منازل از سنگ ساخته شده و دارای سقف شیروانی، حیاط، حمام و توالت بودند. اغلب این منازل، علاوه بر حیاط سنگفرش شده، باغچه‌ای هم در پشت ساختمان داشتند. از این نوع منازل مسکونی بیشتر در محلات نفتون، چشمه‌علی، انبار خوراکی (کولرشاپ) ساخته شد. نوع سوم، ساده‌ترین منازل سازمانی، در مناطق کلگه، چشمه‌علی، مال کریم و نفتک قرار داشت. در محله پشت برج، نوع کوچک‌تر آن (به نام ده فوتی شامل دو اتاق) برای مجردها در نظر گرفته شده بود. منطقه بیست فوتی جمعاً از هشت ساختمان هفت واحدی (لین) یعنی دو ردیف چهارتایی موازی به صورت شرقی و غربی، تشکیل می‌شد (آریانفر، ۱۳۹۶) (شکل ۳).



تصویر ۳- از راست دو تصویر از منازل بیست فوتی‌ها (موزه و اسناد صنعت نفت ایران، ۱۴۰۱)
چپ دو تصویر از بنگله دوطبقه و یک طبقه (دهقان و انصاری، ۱۴۰۰)

علاوه بر موارد فوق می‌توان به معماری بنگله توجه نمود. بنگله ۱ در محله کلگه واقع است و ساکنان آن مدیران ارشد و عالی‌رتبه شرکت نفت بودند. فضای خواب از فضاهای نشیمن به طور کامل مجزا شده است. در این بنا، محل زندگی مستخدمین از ساختمان اصلی جدا و دارای دو اتاق و سرویس بهداشتی است. در مابین بنا اصلی و خانه مستخدمین، اتاق بخار قرار گرفته که مستخدم در آن آشپزی می‌کرده است. تأسیسات مابین فضای شیروانی و سقف اصلی قرار دارد و در زیر شیروانی درپچه تعبیه شده که وظیفه آن تهویه هوا و ورود افراد برای تعمیر است. مصالح عمده مورد استفاده سنگ و چوب است. با توجه به ریخت بنای یادشده، تفکیک فضای مستخدمین از مالک بنا، هم‌راستا با نوع تفکیک اندرونی و بیرونی معماری سنتی نیست. مجزا سازی فضاهای خواب از فضای اقامت نیز می‌تواند به تفاوت در مرزبندی فضاها در این نمونه و رویکرد غالب معماری ایرانی اشاره کند.

بنگله ۳، بنایی دو خوابه در محله‌ی باغ ملی است و ساکنان آن کارمندان متخصص شرکت نفت بودند. بنا فاقد خانه مستخدمین است و مصالح عمده مورد استفاده سنگ تراشیده است. درپچه‌های زیرشیروانی نسبت به بنای قبلی باریک‌تر و با طول بیشتری هستند. بنگله ۴ دو خوابه و در روستای کوشک در شصت کیلومتری مسجد سلیمان قرار دارد. خانه مستخدمین از بنای اصلی جدا و دارای نشیمن و آشپزخانه و سرویس بهداشتی است. در این بنا عمده مصالح دیوار سنگ‌تراش است. بنا دارای درپچه آدمرو زیرشیروانی در دو طرف بنا و دارای سیستم سرمایشی ایرکاندیشن و اتاق موتورخانه است. درهای اتاق خواب در قسمت پایین دارای درپچه‌های مشبک برای تهویه اتاق هستند.

ساکنان بنگله شماره ۵ واقع در محله نفتون، کارگران و کارمندان شرکت نفت بودند. این بنا دارای یک اتاق خواب، نشیمن و همچنین دو حیاط یکی به عنوان حیاط خلوت و دیگری باغ بوده است. این خانه همچنین دارای اتاق بخار (آشپزخانه) است. سقف دارای درپچه زیرشیروانی و عمده مصالح آن سنگی است. در این بنا خانه مستخدمین وجود ندارد.

جدول ۵- ساختار معماری بناهای مسکونی مسجدسلیمان (۱۴۰۳)

نام بنا	محل	تزئینات	نسبت توده به فضا	نورگیری	ارتفاع بنا	فضای بهداشتی	پلان	قرارگیری نسبت به زمین	سقف
کارگری	یست فونی	فاقد تزئینات	حیاط کوچک در هر خانه.	پنجره دارای عمق کم	۴	درون حیاط	برونگرا	همتراز	سقف شیروانی
کارگری	یست فونی	فاقد تزئینات	حیاط کوچک برای هر خانه / اتاق‌ها به دور هال مرکزی قرار دارند.	پنجره دارای عمق کم	۴	درون حیاط	برونگرا	همتراز	سقف گهواره‌ای
کارگری	یست فونی	ورودی دارای طاق است.		پنجره دارای عمق زیاد	۵	درون خانه	برونگرا	همتراز	
بنگله شماره ۱	کلاکه	قوس‌های نیم‌دایره و کمانی	حیاط دورتادور بنا / ایوان وسیع / گاراژ و آغل / دیوار پله‌ای در گاراژ / شومینه	پنجره با عمق زیاد / ضلع شرق و غرب فاقد پنجره	۴	پنجره بزرگ در سرویس بهداشتی حمام و توالت مشترک دارای آسرویس بهداشتی	برونگرا	بنا روی سکو قرار گرفته است	شیروانی دوطرفه / سقف دولایه / سقف داخلی مسطح
بنگله شماره ۲	کمپ کرست	سردر ورودی سنگ	حیاط بسیار بزرگ دورتادور بنا / ورودی و ایوان در سمت جنوب / شومینه	دارای رف (در بالای پنجره‌ها برای ورود غیرمستقیم نور و تهویه)	۴	توالت با پنجره بزرگ و در ارتفاع کم حمام و توالت مشترک و در هر اتاق خواب یک توالت	برونگرا	بنا روی سکو قرار گرفته است	سقف شیروانی دوطرفه / سقف دولایه / سقف کاذب از جنس گچ
بنگله شماره ۳	باغ ملی	کناره ورودی به صورت تونچه	حیاط بزرگ دورتادور بنا	گوشه‌های داخلی پنجره‌ها به صورت زاویه‌دار	۳.۹۰	درون خانه	برونگرا	بنا روی سکو	شیروانی ۴ طرفه / سقف دولایه

نام بنا	محل	تزئینات	نسبت توده به فضا	نورگیری	ارتفاع بنا	فضای بهداشتی	پلان	فرآوری نسبت به زمین	سقف
بنگله شماره ۴	کوشک	درها با قوس‌های نیم‌دایره	حیاط بسیار بزرگ دور بنا/ فضای خدماتی شمالی / هر فضای یک در به باغ دارد.	پنجره‌های فضاهای اصلی در ضلع جنوب بنا/ جبهه شرقی پنجره ندارد/ نورگذر بالای در	۲۲۰	حمام و توالت در فضای جداگانه- پنجره سرویس بهداشتی کوچک و در ارتفاع بالا	برونگرا	بنای روی سکو	سقف شیروانی دوطرفه
بنگله شماره ۵	فتون	پیش ورودی سنگی شیاردار	آشپزخانه و توالت در حیاط خلوت	دریچه‌های دایره‌ای بالای پنجره‌های اتاق	۲۲۰	درون خانه	تلفیقی	هم‌تراز	سقف شیروانی دوطرفه/ سقف داخلی از نی و حصیر بافته‌شده و ملات گچ‌و‌خاک

معماری خانه‌های آبادان با توجه به طبقه اجتماعی از نظر فضای درونی، وسعت و همچنین نوع سقف به دو شکل شیروانی و مسطح تقسیم می‌شوند. در قسمتی خانه‌ها به صورت یک‌شکل هستند ولی پلان آن‌ها باهم تفاوت دارند. خانه‌ها به صورت تیپ‌بندی‌های مختلف در یک خیابان ساخته شدند. در ابتدا، برای ساخت خانه از گل استفاده می‌شد ولی به مرور زمان ساخت خانه آجری در دستور کار قرار گرفت. این منازل شامل گونه‌های (دواتاقه، سه اتاقه و چهاراتاقه) برای کارگران و منازل با زیربنای متعدد برای کارمندان است. اولین خانه آجری که در آبادان توسط شرکت نفت ساخته شد؛ دارای سقف شیروانی، با استفاده از حلیب موج و چوب چندل بود؛ که به نام قصر موسوم است. این خانه دواشکوبه مشرف به اروندرود بوده و از طبقه بالای این ساختمان به عنوان اتاق خواب و از طبقه پایین جهت محل کار و داروخانه استفاده می‌شد (عبدی‌زاده و علوانی، ۱۳۹۵)



تصویر ۴- کوچه‌های بریم آبادان با رویکرد سابات معماری (منبع: اسپرغم، ۱۳۹۹)



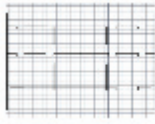
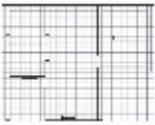
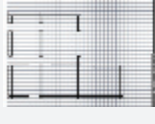
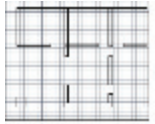
تصویر ۵- از راست: بواره، بریم، بواره (Ehsani, 2013)



تصویر ۶- نمونه منازل بریم (منبع: موزه و اسناد صنعت نفت ایران، ۱۴۰۳)

جدول ۶- ساختار معماری بناهای مسکونی آبادان (۱۴۰۳)

نام بنا	محله	تزئینات	نسبت توده به فضا	نورگیری	ارتفاع بنا	فضای پیدایشی	پلان	قرارگیری نسبت به زمین	سقف
۱ خانه		استفاده از کاشی به همراه آجر		در ایوان‌ها حجم زیاد سطح به نورگذر تعلق دارد.	۶	در درون خانه	برونگرا	بر روی صفت	مسطح
۲ خانه	برج	استفاده از سنتوری		پنجره به وسیله کرکره نی‌ای پوشیده شده است.	۱۰	در درون خانه	برونگرا	بر روی صفت	شیروانی
۲ خانه		فاقد تزئینات		پنجره‌ها در تمامی نماها به جز ضلع غرب وجود دارد.	۸	در درون خانه	برونگرا	هم‌سطح	مسطح
۱ خانه	چراغ	استفاده از کاشی به همراه آجر		پنجره‌ها در ایوان قرار دارند.	۱۴	در درون خانه	برونگرا	بر روی صفت	مسطح
۱ خانه	نفت مسجد	تزئینات برگرفته از چوقا بختیاری است.		پنجره در حیاط خلوت قرار دارد.	۴	در حیاط خلوت	برونگرا	هم‌سطح	مسطح

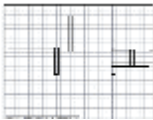
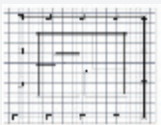
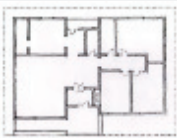
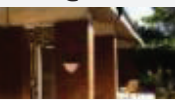
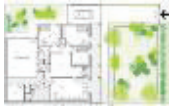
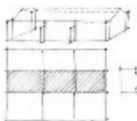
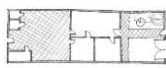
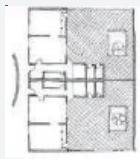
نام بنا	محله	تزئینات	نسبت توده به فضا	نورگیری	ارتفاع بنا	فضای بهداشتی	پلان	قرارگیری نسبت به زمین	سقف
خانه ۱	کارگران	فاقد تزئینات		پنجره‌ها عمده در ایوان و دو پنجره عمودی در زیر شیروانی قرار گرفته‌اند.	۷	خانه درون خانه	برونگرا	هم‌سطح	شیروانی
خانه ۱	فرح‌آباد	استفاده از قوس آجری		پنجره شمالی بدون سایه‌بان	۴	در حیاط	برونگرا	هم‌سطح	مسطح
خانه ۱	پیروزآباد	فاقد تزئینات		پنجره و نورگیری مشبک از طریق ایوان در ضلع جنوب	۵	خانه درون خانه	برونگرا	هم‌سطح	شیروانی
خانه ۱	بهمنشیر	استفاده از قوس آجری		پنجره در ایوان قرار دارد.	۵	خانه درون خانه	برونگرا	هم‌سطح	مسطح

اهواز به مراتب شهری نوسازتر در این زمینه محسوب می‌شود. در شهرک نفت و نیوساید می‌توان مشاهده کرد که مفصل‌سازی بر مؤلفه‌های طراحی مانند جهت قبله، جهت اقلیمی و موضوعات حریمیت مسلط است و این طرح گاه با نادیده گرفتن این موارد ممکن شده است. در شهرک کارون، فضای سبز خانه و حیاط، نظام‌یافته‌ترند. این خانه‌ها برای کارگران ساخته شده و از این رو کمتر به تنوع فضایی پرداخته شده است. در محوطه خرم‌کوشک که ساختمان‌ها از قدمت بالاتری برخوردارند، ساختمان‌ها بدون سقف کاذب و شیروانی بوده و نکته قابل توجه این است که تعدادی از منازل دارای بادگیر هستند. (آریانفر، ۱۳۹۶).



تصویر ۷- منازل نیوساید (منبع: موزه و اسناد صنعت نفت ایران، ۱۴۰۳)

جدول ۷- ساختار معماری بناهای مسکونی اهواز (۱۴۰۳)

نام بنا	محل	تزئینات	نسبت توده به فضا	نورگیری	ارتفاع بنا	فضای بهداشتی	پلان	قرارگیری بر زمین	سقف
خانه ۱	خرم کوشک	پنجره دایره‌ای		پنجره دایره‌ای در خرپشته و سرتاسر جنوب	۳	در درون خانه	برونگرا	هم‌سطح	مسطح 
خانه ۲		قوس‌های ایوان سرتاسری		پنجره سرتاسر در پناه ایوان	۴	در درون خانه	تلفیقی	هم‌سطح	مسطح 
خانه شماره ۱	نیوساید	رخ‌بام‌های پیش‌آمده		پنجره جنوبی در پناه ایوان	۵	در درون خانه	برونگرا	هم‌سطح	شیروانی 
خانه شماره ۲		فاقد تزئینات		پنجره در ضلع جنوبی با سایه‌بان	۳	در درون خانه	برونگرا	هم‌سطح	مسطح 
خانه شماره ۱	شهرک نفت	فاقد تزئینات		پنجره در ایوان	۳	در درون خانه	برونگرا	هم‌سطح	مسطح 
خانه شماره ۲		دیوار به شکل بادگیر		پنجره در ایوان	۴	در درون خانه	تلفیقی	هم‌سطح	شیروانی 
خانه شماره ۱	کارون	فاقد تزئینات		دریچه دایره‌ای بالای پنجره‌های اتاق‌ها	۵	آشپزخانه و سرویس بهداشتی در حیاط خلوت	برونگرا	هم‌سطح	سقف شیروانی دوطرفه/ سقف داخلی از جنس نی و حصیر بافته‌شده و با ملات گچ و خاک پوشیده شده است 
	نفتون	پیش‌ورودی سنگی شیاردار			۳.۲۰		تلفیقی		
خانه شماره ۲	نفتون	پیش‌ورودی سنگی شیاردار			۳.۲۰		درون‌گرا		

نام بنا	محل	تزئینات	نسبت توده به فضا	نورگیری	ارتفاع بنا	فضای بهداشتی	پلان	قرارگیری بر زمین	سقف
شرکتی منطقه کوت عبدالله	خانه‌های کارگری تیپ A دوره اول	فاقد تزئینات			۴	آشپزخانه و سرویس بهداشتی در حیاط خلوت	درون‌گرا		مسطح
	خانه‌های کارگری تیپ B دوره اول	قوس بالای در		پنجره جنوبی با کمترین سایه‌بان افقی	۴	حیاط	درون‌گرا	هم‌سطح	   
	خانه‌های کارگری دوره دوم	فاقد تزئینات			۴	آشپزخانه و سرویس بهداشتی	درون‌گرا		

یافته‌های پژوهش

الف- یافته‌ها در حوزه ساختار و سازمان محله‌ها (شهرک‌های نفتی): با بررسی ساختار و سازمان مناطق سازمانی محله‌های مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل ساختارهای مربوط (آورده شده در جداول ۱، ۲ و ۳) این گونه استنباط می‌شود که در طراحی خطوط واصل بین محلات و نیز واحدهای همسایگی خانه‌های شهرهای مورد مطالعه می‌توان تسلط یک عنصر مرکزی در کنار انشعابات عمدتاً سواره را مشاهده کرد که خود نشان‌دهنده تلاش برای کاهش سرعت سواره و تأکید بر پیاده است. مرزبندی بین عابر و ساکنین در چینش خیابان و خانه‌ها وجود دارد. به عبارتی تلاش برای جداسازی دسترسی و کاربری در هر دو عرصه شهری و اقامتی دیده می‌شود. با بررسی تاریخی نیز دانسته می‌شود که حضور عنصر مرکزی به شکل دایره در دوران اولیه به همراه الحاق کاربری به حلقه حرکتی و دسترسی است؛ اما در دوران بعد مانند شهرسازی نفتی اهواز با فاصله گرفتن مجموعه سکونت از حلقه مرکزی این عنصر تنها بار ترافیکی را مهار می‌کند و جنبه دسترسی صرف می‌یابد.

ب- یافته‌ها در حوزه ساختار معماری بناهای مسکونی (شهرک‌های نفتی): با توجه به جداول ۴، ۵ و ۶ در خصوص ساختار معماری بناهای مسکونی شهرک‌های نفتی در شهرهای مورد مطالعه و محلات مشخص شده و تجزیه و تحلیل جزئیات آن‌ها این گونه استنباط گردید که: نسبت توده به فضا در اکثر شهرهای مورد مطالعه متوسط و در برخی محلات (بیشتر در شهر آبادان) این نسبت دچار کاهش می‌گردد. این دلیل می‌تواند به علت برون‌گرا بودن الگوی مسکن در اکثر محلات یادشده باشد. پس در اینجا الگوی مسکن تأثیر مستقیم بر نسبت توده به فضا داشته است. از سوی دیگر در بحث تزئینات در شهرک‌های نفتی مسجدسلیمان بیشتر از تزئینات به صورت سنگی یا ورودی دارای طاق‌های ساده استفاده شده و در برخی محله‌ها مثل باغ ملی از تونجه ساده در کنار ورودی‌ها کار شده است. در شهرک‌های نفتی آبادان تزئینات به مراتب اهمیت بیشتری پیدا کرده و از کاشی به همراه آجر (گاهی آجر الهام گرفته از فرهنگ‌های بومی دیگر نظیر چوقا بختیاری) و قوس‌های آجری استفاده شده است. در اهواز نیز پنجره‌ها گاهی فرم‌های نظیر دایره به خود گرفته و ایوان‌ها دارای قوس‌های سراسری جایگزین فرم ساده گذشته می‌شوند. از سوی دیگر از پیش ورودی‌های شیاردار سنگی مانند محلات مسجدسلیمان، دیوارهایی شبیه بادگیر، و قوس بالای پنجره‌ها بهره برده است. طراحی در نورگیری هر کجا نیاز به نور مطلوب داشته از پنجره‌هایی کم عمق و گاهی جهت تهویه از رفاها در بالای پنجره‌ها بهره برده است. استفاده از نور جنوب همراه با ایوان (گاه کاربرد پنجره‌ها با عمق زیاد) و برخی اوقات مشبک نمودن فضای

ایوان با شیوه‌های چیدمان آجر امکان استفاده بهینه این نور را در فصول زمستان و تابستان برای افراد فراهم آورده است. سرویس‌های بهداشتی اکثراً در درون خانه و در برخی موارد در حیاط‌خلوت جانمایی شده‌اند. در خانه‌های بزرگ‌تر و مجلل‌تر که به‌احتمال زیاد متعلق به قشر کارمندان و مدیران بوده‌اند بناها بیشتر بر روی صفه‌ای بالاتر از سطح زمین بنا نهاده شده‌اند. در بیشتر موارد پوشش سقف‌ها به شکل شیروانی بوده و در برخی از آن‌ها سقف‌های مسطح و در نمونه‌هایی نظیر منازل کارگری مسجدسلیمان از طاق گهواره‌ای نیز بهره برده شده است. طراح هرکجا از سقف شیروانی استفاده نموده قسمت زیرین آن را از نی و حصیر بافته‌شده همراه با ملات گچ‌و‌خاک پوشانده و سقفی دوپوش ایجاد کرده که می‌تواند ریشه در معماری بومی مناطق مورد مطالعه داشته باشد. به‌رحال شرایط اقلیمی شهرهای مورد مطالعه بر جانمایی، شیوه ساخت و استفاده از مصالح مؤثر بوده است.

جدول ۸- عناصر مشترک ساختار معماری بناهای مسکونی شهرک‌های نفتی مورد مطالعه (۱۴۰۳)

بناهای مسکونی شهرهای نفتی	نسبت توده به فضا	الگوی کالبد مسکن	عوامل اقلیمی در راستای طراحی معماری	جهت‌گیری فضایی	تلفیق معماری با فضای سبز	استفاده از مصالح بوم‌آورد	عناصر معماری بومی نظیر ایوان، سقف دو پوش و...	ویژگی‌های ساختی و چیدمانی معماری	تزئینات
مسجدسلیمان	کم	درون‌گرا	کم	درست	دارد	بله	استفاده‌شده	متأثر از جامعه سنتی و معماری بومی	آجر کاشی
	متوسط	برونگرا	متوسط	نادرست	ندارد	خیر	استفاده‌نشده	متأثر از جامعه مدرن و معماری	سنگ
	زیاد	تلفیقی	زیاد						
آبادان	کم	درون‌گرا	کم	درست	دارد	بله	استفاده‌شده	متأثر از جامعه سنتی و معماری بومی	آجر کاشی
	متوسط	برونگرا	متوسط	نادرست	ندارد	خیر	استفاده‌نشده	متأثر از جامعه مدرن و معماری	سنگ
	زیاد	تلفیقی	زیاد						
اهواز	کم	درون‌گرا	کم	درست	دارد	بله	استفاده‌شده	متأثر از جامعه سنتی و معماری بومی	آجر کاشی
	متوسط	برونگرا	متوسط	نادرست	ندارد	خیر	استفاده‌نشده	متأثر از جامعه مدرن و معماری	سنگ
	زیاد	تلفیقی	زیاد						

نتیجه‌گیری

تاریخ مدرن ایران به واسطه برخورد فراگیر با تمدن غربی حاوی بینش‌های گوناگون در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده است. در این بین حوزه معماری و شهرسازی نیز متأثر تحرکات سیاسی و وجه مختلف یافته است. در نقاطی که این ارتباط به صورت گفتمانی صورت پذیرفته و شرکت‌های غربی مستقیماً در معماری و شهرسازی ورود کرده و اقدام به ساخت، آمایش و یا ویرایش محیط نموده‌اند که حاصل آن معماری متفاوت از بوم منطقه بوده است. به عبارت دیگر در مواردی که شرکت نفت خود اقدام به ساخت شهرک‌های مسکونی و تأسیسات زیربنایی نموده‌اند؛ گاه طراحان به زمینه ساخت توجه نموده و گاه با دیدگاهی یک‌سوی فرهنگ معماری خود را در این ابنیه پیاده نموده‌اند با

توجه به بررسی مصادیق ذکر شده، روند تحولات معماری معاصر خوزستان با تغییرات معماری در دیگر نقاط ایران همگام بوده است اما در مناطق نفت خیز جنوب، اکتشاف نفت در سال ۱۲۸۷ شمسی، معماری این مناطق را به سمت و سویی دیگر سوق داد. فضاهای محلات عمدتاً دارای مرکز محله بوده اما در طراحی آن نمی‌توان نشانه‌ای از تبعیت از فرم مرکز محلات و یا میدانچه‌های ایرانی یافت. همچنین در این محلات می‌توان مشاهده نمود که خانه‌ها عمدتاً برون‌گرا بوده و فضای زیستی در خانه‌های کارمندان به وسیله فضای سبز و یا ایوان محدود شده است؛ باین حال در خانه‌های کارگری هم تعداد و هم تنوع فضایی کاهش یافته است و در این مورد خانه یا درون‌گرای کمی است یا تفکیک فضای آن با خیابان تنها به واسطه یک دروازه شده است. فرم شهرک نفتی این دوره، دارای ۳ حالت کاملاً دایره‌ای با مرکزیت، کاملاً شطرنجی با مرکزیت و فرمی ترکیبی است. باین حال گاه ویژگی‌های محیطی باعث ایجاد حالتی از فرم ارگانیک شده که تنها شکل آن شباهت به بافت‌های تاریخی دارد اما سازمان‌دهی خانه‌ها و... که از ویژگی‌های بافت‌های تاریخی است؛ در آن دیده نمی‌شود. لذا می‌توان از منظر تبارشناسانه ویژگی‌های ساختی و چیدمانی، معماری مسکونی شرکت‌های نفتی در خوزستان را در تلاش برای ساخت سریع خانه برای ۳ دسته از جمعیت هدف شامل گروه مدیران، کارمندان و کارگران دانست. خانه‌های دو گروه اول در فضاهایی متنوع و با پایه باغ خصوصی شکل گرفته است، اما گروه سوم برحسب نزدیکی به محل فعالیت کاری شکل گرفته و به صورت تیپ و یکسان طراحی شده‌اند. انتظام فضایی منازل بدون وابستگی به معماری سنتی و یا بومی خوزستان است و کلیات نقشه‌ها نشان از تأکید بر فضایی به نام هال دارد که اتاق‌ها به دور آن چیده می‌شوند. تعداد استفاده‌کنندگان خود باعث حذف برخی از تمهیدات اقلیمی و یا فضا سازی‌هایی است که در تنظیم نقشه‌ها به صورت تیپ، اجبار به نادیده گرفتن آن به وجود آمده است. از منظر تزیینات جز در خانه‌های ریاستی و کارمندان در سایر خانه‌ها تزیین شاخصی دیده نمی‌شود و این تزیینات نیز محدود به استفاده از کاشی و آجر است. باین حال در معماری عمده این مساکن به مسائلی مانند تهویه و یا کنترل جذب تابش توجه شده است. استفاده از درختچه‌هایی مانند مورد و یا انبوهی شاخسار درختان، بالابردن بنا از سطح زمین، قرارگیری و تعداد پنجره‌ها نسبت به باد عمومی منطقه که در سمت جنوب غربی و غرب است، بالابردن ارتفاع سقف و از این دست، اقداماتی است که جهت بهره‌گیری از تهویه طبیعی انجام شده است. جهت‌گیری نسبت به جنوب، استفاده از مصالح آجری و نیز ایجاد ایوان نیز از اقدامات کنترل جذب حرارت خورشید در این مناطق است. یا این حال در مساکن کارگری کنترل اقلیمی کمتر از مساکن کارمندی و مدیریتی دیده می‌شود. برخی ابتکارات مانند استفاده از دیوار متخلخل در حیاط جهت تقویت تهویه، یا استفاده از نورگیری در رف، دو پوش کردن سقف می‌تواند ریشه در معماری بومی منطقه داشته باشد. در مجموع می‌توان گفت که محلات و بناهای احداث شده در مناطق نفتی به شکل تلفیقی از معماری بومی و استعماری نباشد و این به دلیل فعالیت شرکت‌ها و مهندسين بریتانیایی جهت طراحی و ساخت و ساز در شهرهای نفتی برای برآوردن نیازهای سکونت کارکنان صنعت نفت و اسکان سریع نیروهای کار بوده است. از جمله پیشنهادات آتی تحقیق، پژوهش در این موضوع در شهرهای دیگری مانند آغاجری و ... است که با کاوش در آن بتوان ریشه و گرایش‌های دیگری در برخورد معماری غربی و بومی این منطقه از ایران را دریافت.

منابع

- آریانفر پرویز، ۱۳۹۶، کاوش در تاریخ نفت، تاریخچه منازل سازمانی در صنعت نفت بخش دوم <http://www.petromuseum.ir/content/25/>
- اسپرغم، ایمان، ۱۳۹۹، آرشو شخصی.
- بشارتی فر، صادق، قادری، اسماعیل و پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۹۶). تحلیل و تبیین تأثیرات صنعت نفت بر ساختار فضایی شهر (مطالعه موردی: شهر آبادان). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۹(۳).
- پوراحمد، احمد، حبیبیان، بهار، احمدنیا، محمدرضا. (۱۳۹۵). تحلیلی بر فضای کالبدی شهر اهواز. *باغ نظر*، ۱۳(۳۹)، ۲۵-۳۸.
- حبیبی نژاد، رضا، خمسه، هاید و بحرانی پور، علی. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر صنعت نفت در طراحی و معماری منازل شرکت نفتی مسجد سلیمان (از آغاز کشف نفت تا ملی شدن صنعت نفت ۱۳۳۰ - ۱۲۸۷ ش). *مطالعات تاریخی جهان اسلام*، ۱۰(۲۴)، ۲۷-۵۱.
- حشمت زاده، محمد باقر. (۱۳۸۳). آرزوهای داری طعم کنسرسیوم. *مجله زمانه*، ۳۰(۳). سال سوم. ۲۱-۳.
- حیدری کیا، عزیز، اکبرزاده، فریدون، کریمی فرد، حسین و عبدالخانی، لنا. (۱۳۹۹). نقش نفت در ساختار اجتماعی استان خوزستان. *ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران*، ۳(۳)، ۳۶۰-۳۹۵.
- دهقان، کیان و انصاری، حمیدرضا. (۱۴۰۰). تحلیل نقش شرکت نفتی بیپی در دگرگونی معماری و سبک زندگی در ایران. *صفه*، ۵-۱۶، ۳۱(۴).

- رستم‌پور، کاوه، مسافرزاده، غزال و نظیف، حسن. (۱۳۹۳). تحول هویت اجتماعی، پیامد معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان. *فصلنامه علمی-پژوهشی هنر معماری و شهرسازی*. (۲۹). سال یازدهم. ۱۱-۲۲.
- زیاری، کرامت اله، کلانتری، محسن، زنگنه شهرکی، سعید و عالی پور، یاسر. (۱۴۰۱). تبیین سازمان فضایی نظام سکونتگاهی با تأکید بر نقش صنعت نفت مطالعه موردی: استان خوزستان. *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۱۰(۳)، ۱۷۱-۱۹۱.
- سایت مدیریت موزه‌ها و مرکز اسناد صنعت نفت، (۱۴۰۳). دریافت شده یکشنبه ۶ آذر ماه ۱۴۰۳.
- عبدی زاده، کیمیا-علوانی، حبیب، ۱۳۹۵. مستند نفت و معماری
- عینی فر، علیرضا، آقالطیفی، آزاده، حیاتی، زینب. (۱۳۹۹). سیر تحول قلمروهای ثانویه در مسکن (مورد پژوهی مسکن معاصر دزفول). *صفه*، ۳۰(۴)، ۲۷-۴۸.
- قاسمی، ایرج. (۱۳۹۵). تحولات اجتماعی شهرهای نفتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- کرینسون مارک، فردانش فرزین. آبادان: شهرسازی و معماری تحت مدیریت شرکت نفت ایران و انگلیس. *گلستان هنر*. ۱۳۸۵؛ ۲ (۴) ۹۵-۱۰۷.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۴). تاریخ پانصدساله خوزستان، جلد ۱، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی آبادان، چاپ دوم، تهران: کیان‌مهر.
- مجتهدزاده، روح الله و نام آور، زهرا. (۱۳۸۸). در جست و جوی هویت شهری اهواز. سازمان مسکن و شهرسازی استان خوزستان. دفتر معماری و طراحی شهری. اهواز.
- معتدلی، فاطمه و تقوایی، ویدا و مظهری، محمدابراهیم، ۱۴۰۰، تأثیر تفاوت‌های کالبدی خانه سنتی و خانه شرکتی آبادان بر سبک زندگی ساکنان (مطالعه موردی: خانه‌های سنتی و شرکتی آبادان در سالهای ۱۲۹۰ تا ۱۳۵۷ شمسی).
- معماردزفولی سجاد، تابان محسن، مسعودی نژاد مصطفی، مظهری محمدابراهیم. تبیین مفاهیم سازمان دهنده مسکن مطلوب در شرکت شهرهای نفتی نمونه موردی: مجموعه مسکونی نیوسایت اهواز. *فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*. ۱۴۰۰؛ ۶ (۲) ۱۵۳-۱۷۲.
- ممینی، کلانتری، توکل کوثری، سیدمحمدعلی. (۱۳۹۹). شرکت شهرهای نفتی و روایت توسعه و تضاد (مطالعه تجربه آبادان). *توسعه اجتماعی*، ۱۵(۱)، ۱-۴۰.
- مهدوی نژاد، محمدجواد، و منصوری مجومرد، پریناز. (۱۳۹۴). ورود جریان‌های نوگرا به معماری معاصر ایران. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱۹(۲۱)، ۱۹-۳۰.
- یونسی، گلزار، ارمغان، مریم و ثقفی، محمدجواد. (۱۴۰۲). بازتاب تحولات سبک زندگی در معماری خانه‌های طبقات شغلی شرکت شهرهای نفتی ایران قبل از دهه پنجاه (نمونه موردی: شرکت شهر آبادان). *باغ نظر*، ۲۰(۱۱۸)، ۲۳-۳۶.
- یونسی، گلزار، ارمغان، مریم، ثقفی، محمدجواد. (۱۳۹۹). تحلیل ساختار کالبدی - فضایی خانه‌های طبقات اجتماعی شرکت شهر نفتی آبادان در دوران رونق صنعت نفت، با روش نحو فضا. *مطالعات شهر ایرانی-اسلامی*، ۱۱(۱)، ۶۹-۸۰.
- Amirjani, R. (2020). Shushtar new town: A turning point in Iranian social housing history [Doctoral dissertation, University of Canberra].
- Crinson, M. (1997). Abadan: Planning and architecture under the Anglo-Iranian Oil Company. *Planning Perspectives*, 12(3), 341-359.
- Damluji, M. (2013). The oil city in focus: The cinematic spaces of Abadan in the Anglo-Iranian Oil Company's Persian story. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 33(1), 75-88.
- Dobe, M. E. (2008). A long slow tutelage in western ways of work: Industrial education and the containment of nationalism in Anglo-Iranian and Aramco, 1923-1963 [Doctoral dissertation, Rutgers, The State University of New Jersey-New Brunswick].
- Ehsani, K. (2013, October 24). The oil industry and Abadan in the 1920s. The Persian Circle at the University of Chicago. <https://lucian.uchicago.edu/blogs/persiancircle/2013/10/24/kaveh-ehsani-the-oil-industry-and-abadan-in-the-1920s/>

- Fabbri, R., & Al-Qassemi, S. S. (2022). Urban modernity in the contemporary Gulf: Obsolescence and opportunities. *Taylor & Francis*.
- Hakiminejad, A. (2021, January 29). The oil and the brick; tales of a Scotsman in Persia. Round City. <https://round-city.com/the-oil-and-the-brick-theses-of-a-scotsman-in-persia/>.
- Hein, C., & Sedighi, M. (2016). Iran's global petroleumscape: The role of oil in shaping Khuzestan and Tehran. *Architectural Theory Review*, 21(3), 349–374.
- King, A. D. (2007). Colonial urban development: Culture, social power and environment. Routledge.
- Ozaki, R. (2002). *Housing as a reflection of culture*. Housing Studies, 17(2), 209–227.
- Rapoport, A. (1969). House form and culture. University of Wisconsin Press.
- Salman, M. (2018). Sustainability and vernacular architecture: Rethinking what identity is. In *Urban and architectural heritage conservation within sustainability*. IntechOpen.
- Sitzes, B. C. (2018). Alienating Iranians from their environment: Irrigation, flood control, and public health in late Pahlavi Khuzestan [Doctoral dissertation, University of Arizona].
- Voskah, A., Dabirinezhad, N., & Sijani, M. H. M. (2021). The architecture technology of traditionalist style buildings built in first Pahlavi: An analysis based on the adaptability of culture and technology. *PalArch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology*, 18(8), 3203–3220.

Genealogical analysis of residential architecture in the oil cities of Khuzestan (Case Study: Masjed Soliman, Abadan, and Ahvaz Cities)

Mehdi Pirhayati*, Assistant Professor of Restoration of Historic Buildings, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran.

Behzad Vasigh, Associate Professor Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundi-Shapur University of Technology, Dezful, Iran.

Received: 2025/3/18

Accepted: 2025/7/25

Extended abstract

Introduction: The emergence of oil companies in Iran necessitated the rapid development of residential areas for the industrial workforce in exploration and extraction zones. These developments often bypassed local architectural traditions and indigenous knowledge, introducing an urban order and spatial organization distinct from long-standing regional practices. This study addresses the following research question: What are the structural and layout characteristics of oil company residential architecture in Khuzestan from a genealogical perspective? By analyzing this specific period of contemporary architectural history, this research examines the structural values of these buildings and their long-term impact on broader architectural trends in the Khuzestan region.

Methodology: Adopting a descriptive-analytical case study approach, this research utilizes inductive reasoning to move from observation to theory. The methodology combines library research with field surveys across key oil company residential districts in Masjed Soleyman (e.g., Camp Crescent, Bagh-e Melli, Naftoon, Kalgeh, and Keveshk), as well as designated zones in Ahvaz and Abadan, to identify prevailing urban forms, spatial configurations, and housing typologies.

Results: *A. Neighbourhood Structure:* The structural analysis of oil townships reveals a layout dominated by central elements and T-junction networks. This configuration was a deliberate urban design strategy intended to restrict vehicular speed and prioritize pedestrian accessibility.

B. Residential Architectural Structure: Findings indicate a moderate solid-to-void ratio across most surveyed areas. However, this ratio decreases in neighbourhoods featuring outward-oriented housing designs—most notably in Abadan—demonstrating a direct correlation between specific residential typologies and the overall building massing.

Conclusion: The architectural evolution of Khuzestan's oil-producing regions represents a radical departure from traditional Iranian urban development, driven primarily by the top-down, hierarchical planning of Western oil companies. These townships were built not through organic growth, but through a prescriptive spatial order where residential typology strictly mirrored socioeconomic rank—ranging from spacious, climate-responsive managerial housing to repetitive, minimalist worker quarters. Despite the prevailing reliance on imported colonial models that often bypassed indigenous knowledge, a unique architectural synthesis emerged. The industrial necessity for rapid, efficient, and habitable housing forced a pragmatic integration of vernacular elements into the rigid imported frameworks. Features such as deep verandas, permeable walls for cross-ventilation, and orientation strategies for natural cooling reveal a limited but significant adaptation to the harsh regional climate. From a genealogical perspective, this study interrogates these structural configurations to assess their inherent architectural value and their long-term impact on the regional urban fabric, mapping how these imported industrial models fundamentally redirected the trajectory of architectural trends in contemporary Khuzestan.

* Corresponding Author's E-mail: boomavard@gmail.com